

اعوذ بالله من الشیطان الرجیم، بسم الله الرحمن الرحیم و الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا رسول الله و آله الطیبین الطاهرین
المعصومین و اللعنة الدائمة علی اعدائهم اجمعین

اللهم وفقنا و جمیع المشتغلین و ارحمنا برحمتک یا ارحم الراحمین

بحثی که بود در تقسیم عقد یا مسمی است عنوان دارد یا ندارد، و عرض کردیم انصافا در زمان ما این قسم رواج بیشتری پیدا می کند و چون بناست که الان که اجمالش است ان شا الله در بحث خودش نظر اسلام هم در این جهت بیان بشود، اولاً ان شا الله این را که نمی خوانیم، حالا فقط اشاره می کنیم، در این بحث هایی که در این جا شده مثلاً بحث بعدیش که مفصل است ارکان عقد، این ها بیشتر نظرشان این است ارکان عقد و اقسام عقد، بحث خاصی باید مطرح بشود در اهداف عقود و قرارداد ها که چه نکاتی دارند که ما طبق همان اهداف و اغراض آن ها را بخواهیم تفسیر بکنیم. به هر حال عقود باید برای یعنی در نظر پیغمبر اکرم در نظر اسلام غیر از این که مثلاً و جعل بینکم معاش و زندگی اداره بشود یکی از مسائل روشن بودن و واضح بودن و زمینه های اختلاف را برداشتن، اختلافی بین افراد واقع نشود، روابط این مسائلی که مربوط می شود به ملکیت افراد یا شئونی که به ملکیت هست یا شئون دیگر مثل عقد ازدواج، این ها به صورت روان و ساده و روشن و غیر قابل تاویل و غیر قابل بحث و غیر قابل دعوا و دردسر و این ها، این ها را بشود در یک یعنی هدف این نیست به مجرد این که یک قراردادی بشود بعد بیاییم بگویم ماهیت این قرارداد چیست، این نکته را هم باید در نظر گرفت و الان که سطح جهانی وضع عوض شده آن هدفی را که الان اشاره کردیم این اضافه بر سطح کشور ها و سطح منطقه ای باید در سطح جهانی هم به ذهن ما این باید یعنی بهترین قانونی است که می تواند در سطح جهانی قوانین موحد و یگانه ای را اجرا بکند، چون بشر الان مرتب سفر می کند، این طرف آن طرف می رود، می بخواهد بیاید در این کشور قانون بیع را بفهمد یا در آن کشور برود قانون اجاره را بفهمد این مشکلات ایجاد می کند، این هدفی هم که سازمان ملل و زیرمجموعه های سازمان ملل تشکیل شد این است که این قضایا در یک سطح جهانی قرار بگیرد و می دانید که اصلاً قرارداد هایی را که بستند از سال های متاخر، من توضیح دادم که بعد از ۱۹۴۵ که سازمان ملل تشکیل شد بنا شد که خیلی از مجموعه ها را ببرند، خیلی از کارها را همین جور

یواش یواش در زیر مجموعه های جهانی ببرند مثل غذا را بردند، کودکان را بردند، مسئله فرهنگ را بردند و إلى آخره، قرارداد ها را هم دارند، به نظرم ۱۹۸۰ است و به ذهن ما این طور می آید که این چون بحث عقد مسمی و غیر مسمی است جوری بشود که عقود غیر مسمی را یا داخل در عقود مسمی بکنند یا بر فرض این عقود غیر مسمی را یک دسته بندی جدیدی بکنند برای آن ها هم کاملاً ضوابط قرار بدهند، حالا اسم قبلش نباشد، چون وقتی عقد مسمی نبود و مخصوصاً جهات مختلف داشت هر جهتش یک غرر درست می کند، هر جهتش یک مشکل درست می کند، هی باید تند تند لذا ایشان مثلاً نقل می کند که در قانون دادگستری مصر در فلان قضیه این کار را کردند، غلبه جانب بیع دادند. در بحث آینده. این نشود یعنی کار احتیاج به قضا پیدا نکند، آن قضا را برای جاهای خاص بگذارند و این را اگر بتوانند حتی المقدور در یک سطح جهانی مطرح بکنند مثلاً شما در ایران وقتی بیع انجام می دهید به پاکستان که می روید همان طور باشد، پین می روید، یعنی به این معنا این طور باشد که یک چارچوب های معینی را قرار بدهند که این چارچوب ها در جامعه اجرا هم بشود، چون یکی از نکات اساسی تشکیل حکومت که سابقاً هم متعرض شدیم این است که افراد من حیث لا یشعر قانون را انجام بدهند یعنی هدف از حکومت برنامه ریزی هایی که می شود برنامه ریزی جوری باشد، این طور نباشد که شما صبح به بازار بروید یک معامله با این آقا غرری است ولی با آن آقا غرری نیست، دلتان می خواهد این را انجام بدهید. اصلاً تشکیلات و نظام و جامعه یک شکلی دارد، یک خیابان بندی دارد مثل این خیابان ها که عادتاً آسفالت می گویند، دیگه در پیاده رو نمی روند. این همچنان که در ظاهر هست اصلاً اصل هدف اصلی از اجرای حکومت این است یا همین احزاب اسلامی که دنبال حکومت هستند یا کلاً احزاب سیاسی که در سطح جهانی در فکر حکومت هستند، یکی از اهداف اساسی این است یعنی هدف اساسی این است، می آیند جامعه را، چارچوب جامعه را جوری تنظیم می کنند شما همین طور که بلند می شوید و سرکارتان می روید می آئید خود بخود معامله باطل انجام نمی دهید، اصلاً وضع معاملات مثلاً فروشگاه ها جور معینی هستند، جنس را در یک حالت، شما اصلاً معامله غرری نمی کنید، این نه این که این معامله نکردن شخصی شما بشود، یک جا بکنید و یک جا نکنید، شکل اجتماعی جوری است، ساعت معینی مدرسه می روید، در مدرسه دروس معینی است، استاد با صفات معین، ببینید تمام این ها به خاطر

این جهت است وضع جامعه به صورتی شده باشد، یک خیابان کشی شده باشد که شما که در این شهر می روید چطور خودبخود روی خیابان های معین می روید، جاهای پرت نمی روید این به لحاظ مثلا آن نظام اجتماعی ای که الان مطلوب است این است، آن وقت چون ما به اصطلاح به عقیده خودمان به عنوان خاتم شرائع الهیه آن چه را که پیغمبر اکرم فرمودند این را باید یک کاری بشود که در جامعه ها و نه در جامعه شیعه، نه در جامعه اسلامی بلکه در جامعه بشری، چون معنای و ما ارسلناک إلا للناس كافة، معنایش این است، معنای واقعیش این است، باید شکلی بشود لذا به نظر ما بهترین پیشنهاد این است، این عقود غیر مسمی به تعبیر ایشان این یا محدودش بکنند به همان عقود مسمی، قید بهش بزنند، همین مثال هایی که ایشان زد، یک بیمارستان می خواهد با دانشجویان یک مرکز پزشکی، خب این را باید معینش بکنند، یا داخل در اجاره ابدان بکنند یا جعاله بکنند، یک عنوان بهش بدهند، این را یک عنوان مستقل، مثل همین بعضی از این طرح های بانکداری اسلامی است که جعاله و اجاره و مضاربه و چند تا عقد دیگر را با همدیگر قاتی کردند که یک حالت بانکداری را درست بکنند، این ظاهرش این طور است یعنی آنی را که ما الان می فهمیم به عکس آن متصور که ما رو به عقود غیر رسمی یا غیر مسمی بیاوریم الان سطح جهانی این است و مخصوصا چون بناست بشر سفر بکند، می گوید شاید در آینده نزدیک دیگه مرزها فقط در نقشه وجود داشته باشد، در خارج جوری باشد که انسان احساس مرز نکند، همین جور بتواند برود و همین جور بتواند بیاید، رفت و آمد ها کاملا، خب این اقتضا می کند مناسب با این قوانین هم من جمله قوانین قرارداد ها یک سطح جهانی پیدا بکند، خوب دقت بکنید و لذا من اصلا تمام این طرح ها را هم برای همین می گویم، ما باید خودمان را برای این جهت آماده بکنیم، اولاً این قابل طرح بشود، چون اگر عقد غیر مسمی شد هر جهت عقد ممکن است یک اشکال درست بکند، برای این که این اشکال برداشته بشود چارچوب ها مشخص بشود، یا بیندازیمش طبق ضوابط یک عقد مسمی یا اگر نه عقد جدید تاسیس بکنیم مثل بیمه، عقد جدیدی تاسیس بکنیم لکن بر این عقد هم شئون و شرائط و خصوصیات معینی بگذاریم، تمام آئین نامه هایش و حدودش معین باشد، حالا گاهیگاهی ممکن است در بعضی از خواص و موارد اختلافی پیدا بشود این هست اما شئون کلیش واضح است و آن طرحی را هم که ما عرض کردیم به نظر ما این طرح خوبی است، ما بیایم برای عقود یک شئون کلی در نظر بگیریم،

.....
بعضی از افراد در همین عقد کلی ممکن است بعضی رغبت های خاص خودشان را اجرا بکنند، این را ما اسمش را شروط گذاشتیم،
بیاییم یک باب عقود درست بکنیم و باب شروط درست بکنیم.

پرسش: عقد صلح چطور می شود؟

آیت الله مددی: عقد صلح هم همین طور، یک عقدی است که بین آن ها تصالحي هست یا حالا مثل بعضی از سنی ها می گوئیم
برگشتش به عقود دیگری است یا یک عقدی است که حدود خاص خودش را دارد، آن هم باید دارای حدودی باشد که الان اشاره می
کنیم.

پرسش: عقود شخصی را اجازه ندادید

آیت الله مددی: مشکل درست می کند،

پرسش: مردم عادی باید یک عقد های شکلی داشته باشند منظم ولی دو نفر می خواهند با هم یک عقدی ببندند

آیت الله مددی: نه مشکل درست می کند، زمینه برای مشکل درست می کند، بخواهد، اصلا قانون برای چیست؟ این که من قانون را
نمی خواهم، این نمی شود بگوید من نمی خواهم. ما بهش بدهیم فرض کنید می خواهد یک گاراژ ماشین برای ماشینش بسازد، ما
شکل شهر و مهندسی شهر و بنای شهر را می گوئیم، می گوئیم شما در این حد می توانی یا در گاراژ را این جا قرار بده یا دو متر
آن ور تر اما در وسط خیابان بخواهد گاراژ بسازد خب نمی شود که، می گوید دلم می خواهد!

پس ما بیاییم آن طرحی را که من عرض کردم، این طرحی است که ما از مجموعه فقه اهل بیت در می آوریم

پرسش: برای حمام موونه می برد، باید خیلی زور بزنیم درستش بکنیم بگوئیم یا بیع است یا اجاره است، ما اجازه بدهیم این عقود این
جوری باشد اتوماتیک دیگه خیلی کارمان سخت نیست

آیت الله مددی: اجازه بدهید من الان توضیحش را می دهم

پس بنابراین آنی که به ذهن من می رسد برای این که بین هر دو جهت جمع بشود، همین طرحی که در فقه شیعه هست چون بعضی از اهل سنت ندارند، پس ما بیاییم یک کلیات به عنوان عقود قبول بکنیم، یک منطقه محدودی هم بگذاریم شخص می تواند کم و زیاد بکند، با یک شرائط معینی کم و زیاد بکند، اسم آن را عقود بگذاریم و اسم این را شروط بگذاریم، اما این که بیاییم عقد را اصولا غیر مسمی بکنیم، عقد را اصولا عنوان بهش ندهیم، نه بگوییم بیع است و نه بگوییم اجاره است، خب این خواهی نخواهی زمینه اختلاف و تنازع است، خواهی نخواهی این طور است.

پرسش: زمینه پیشرفت هم باشد

آیت الله مددی: نه پیشرفت درست نمی کند، پیشرفتی که برای الان، چون خوب دقت بکنید قرارداد ها یک طبیعت اجتماعی دارند نه فردی

پرسش: اجتماعی را می خواهید سنتی نگه دارید همان هایی که بوده، در اجتماع قرارداد های جدیدی می آید که هیچ کدام از آن ها آیت الله مددی: ببیندد اشکال ندارد، همان قرارداد جدید را محدود بکند.

پرسش: جامعه را سنتی نگه دارید

آیت الله مددی: اولاً نگه داشتنش کجا مشکل دارد؟ لذا عرض کردم که نمی خواهد به همان پنج تا عقدی که قبلاً بوده، شما شاید بیست تا عقدش بکنید، اما این عقود را این جوری، طرح روشن شد؟

اولاً قرارداد ها و عقود پدیده اجتماعی اند، این را خوب دقت بکنید، فردی نیست، شما در یک غاری زندگی می کنید که عقد ندارید، با کسی عقد نمی بندید، تنها که نیست، این پدیده اجتماعی می شود، در پدیده های اجتماعی، خوب دقت بکنید، طبیعتش را می گویم، در پدیده های اجتماعی افراد چون تشکیل دهنده آن جامعه هستند دارای یک خصائص فردی اند، یک.

چون هیئت اجتماعی هم می آید یک خصیصه ای است برای هیئت اجتماعی، عرض کردم از مجتمعات غربی خیلی، فلاسفه غربی جدید هم این تفکر را دارند که ما اصولاً هیئت اجتماعی نداریم، هیئت اجتماعی امر وهمی است و ما این را توضیح دادیم کرارا مرارا، هیئت

اجتماعی جدای از افراد داریم، مثل همین دیوار، اجزای دیوار آجر است، ممکن است اجزای این آجر جنس بد آجر باشند، اما دیوار صاف است، ممکن است جنس خوب باشد دیوار کج است، یک آجر جلو و یک آجر عقب، ما در حقیقت یعنی آثاری است مال هیئت اجتماعی، و لذا خوب دقت بکنید ممکن است شارع مثلاً قانون یک مطلبی را بگوید ما پیگیری نمی کنیم، اگر به هیئت اجتماعی زد، فرض کنید مثلاً یک مجموعه ای بلانسبت زن و مرد بی حجاب در یک جا نشستند ربطی هم به جامعه ندارد، بگوییم ما این را پیگیری قانونی، آن حکم الهی در روز قیامت ندارد، پیگیری قانونی نمی کنیم، اما همین اگر به خیابان برود پیگیری می کنیم، چون باید آن هیئت اجتماعی یعنی جامعه، جامعه اسلامی باشد، عرض کردیم یکی از اهداف تشکیل حکومت اسلامی فقط این نیست که افراد، آن هست که افراد وظیفه دینیشان را انجام بدهند، یکی از آن نکات این است که وضع هیئت اجتماعی، هیئت اسلامی باشد، خود هیئت اجتماعی.

آن وقت اگر ما این مطلب را قبول کردیم پس بنابراین طبق این قاعده ما اگر می خواهیم قوانینی در قرارداد ها ببندیم این قوانین باید دو کار بکند، هم رغبات شخص و افراد را تامین بکند، هم آن هیئت اجتماعی را حفظ بکند، اسم هیئت اجتماعی را عقود گذاشتیم، اسم رغبات افراد را هم شروط گذاشتیم، وقتی عقود گفتیم یعنی یک نظام اجتماعی عامی قرار می دهیم، این نوع قرارداد ها چون قرارداد اصلش رابطه اجتماعی است و رابطه اجتماعی هم فرد دارد هم جامعه دارد، پس بنابراین باید هر دو را در نظر گرفت، به نظر من هر دو را باید در نظر گرفت

پرسش: مسئله صلح را باید خیلی باز بکنیم که بیمه هم می شود گفت صلح است

آیت الله مددی: حالا آن بحث دیگری است. اگر تمام باز باز هم بشود باز همان مشکلی که گفتیم درست می شود، لذا صلح هم باید یک حدودی داشته باشد، گفت الصلح جائز بین المسلمين إلا صلحا، این در صلح هم آمده، احل حلالاً أو حرم حلالاً، لذا این صلح هم نمی شود خیلی باز باز، تمام معاملات را به هم می زند. نه بیع می خواهیم نه، چون صلح معنایش این باشد که بیع باشد بدون شرائط بیع، اجاره باشد بدون شرائط اجاره، هبه باشد بدون، خب این تمام معاملات را به هم می زند، يلزم من وجوده ..، این اصلاً نمی سازد،

.....
من فکر می کنم این نکته که ما اگر یعنی به جای این بحثی که ایشان بعد دارد راجع به ارکان عقد، ما بیاییم این نکته را که، یک این ها بحث اجتماعی هستند، دو: پدیده های اجتماعی هم روی فرد حساب می شود و هم روی جامعه حساب می شود، هر دو را باید در نظر بگیریم، سه: شارع مقدس روی تمام این ها نظر دارد، یعنی شارع مقدس آمده برای هر دو حساب باز کرده و این مجموعه در آن مجموعه ای است که آن تکامل الهی است که در جامعه در نظر گرفته شده.

پرسش: این پدیده های اجتماعی در یک فرایندی تشکیل می شوند یعنی اول بین دو تا فرد شکل می گیرد بعد عمومیت پیدا می کند و إلا اجتماع این طوری نیست که شب بخوابند صبح مثلا یک عقد جدیدی مثل بیمه ایجاد بشود، اگر ما بگوییم که نه همیشه عقود باید مسلم شکلی باشد آن موقع هیچ اجازه عقد جدید نمی دهیم.

آیت الله مددی: می دهیم، چرا ندهیم؟ الان بیمه را اجازه دادند عقد جدیدی هم هست

پرسش: آن فرد مثلا فرض کنید دو نفر می خواهند بیمه را

آیت الله مددی: نه فقط من بحثم این است که عقد جدید را اگر آوردیم بی چارچوب نیاوریم، بگوییم عقد غیر مسمی یا ملحق به یکی از عقود قدیمش بکنیم یا اگر نمی گیرد مثل بیمه، عقد جدید است اما این بیمه را، کما این که الان هم بیمه مواد خاصی دارد.

پرسش: اول که می خواستند ببندند کار آن دو نفر غیر قانونی بوده چون هیچ کدام از این ها نیست و چیز جدیدی هم هست

آیت الله مددی: کار قانونی همین است یعنی قانون می آید می گوید ما الان چنین عقد هایی را احتیاج داریم که مثلا بیمارستان دانشجو های پزشکی را ببرد، می گوییم این را هم محدود بکنید.

پرسش: این را باید قانون رسیدگی بکند اما قانون هنوز عقلش نرسیده، دو نفر فهمیدند، بیشتر از جامعه خودش می فهمند الان می خواهند بیمه ببندند

آیت الله مددی: عرض کردم دو نفر اگر،

پرسش: باید منتظر باشند قانون تصویب بشود؟

آیت الله مددی: نمی شود، بدون آن نمی شود

پرسش: یعنی حتما باید قانون بیمه را تصویب کنند بعد

آیت الله مددی: بله خب، الان هم همین جور است، الان عملا این طور شده خوب دقت بکنید، الان عملا بیمه در جامعه می آید بعد می افتند به آئین نامه بیمه، خب ما داریم می گوییم از همان اول این کار را بکنید، اصلا معنای نظارت بر اجرا که حالا به اسم فعلا ولایت فقیه است یا ولایت فقه است اصلا نظارت بر اجرا این است، من کرارا عرض کردم با فتوحات اسلامی از همان اول مسلمان ها پیدا می شدند که پدیده های جدیدی بود، حالا مثلا فرض کنید شطرنج آمد چیز جدید بود، هزاران، یعنی مسائل جدید یکی دو تا نبود، این ها را می آمدند مطرح می کردند بعد از این که نتیجه گیری می کردند، عرض کردم در این سطح کار اول عمر یک مجموعه مشورتی هم داشت سی نفر بودند، چند دفعه عرض کردم، پانزده تا از مهاجرین و پانزده تا از انصار، آن وقت مسائل جدید را با این ها مطرح می کرد، می آمدند می گفتند، بعد از این که مطرح می شد مثلا همان وقت که عراق را فتح کردند که چکار بکنیم، عراق یک زمینی است، در مکه که ثروتی نبوده، وادی غیر ذی زرع بود و در مدینه هم که زراعت بود باغچه های کوچکی بود، به اندازه ای که آب چاه را در بیاورند بهش آب بدهند، در عراق بیایند یک دفعه هزاران هکتار زمین و بیشتری آب دجله و فرات، خب این را چکارش بکنیم؟ ما چند هزار نیروی رزمنده فرستادیم این جا را فتح کردند، این ها را بین این ها تقسیم بکنیم یا نکنیم؟ این را چکارش بکنیم؟ این طرحی بود که عمر داد، مطرح کردند، یک عده گفتند تقسیم بکنیم و یک عده گفتند تقسیم نکنیم، آخرش رایش به این شد تقسیم، همان اراضی خراجیه که شرح دادیم، کرارا هم شرح دادیم اگر این طور باشد، حالا مربوط به قبل از اسلام نباشد، این بود و عرض کردم همین کتاب خراجی که ابویوسف نوشته، کاملا واضح است که این ها می آیند هم مسائل قبلی که مطرح بوده، لذا در بعضی از مسائل ابویوسف می گوید مثلا جناب هارون در این مسئله یک رای این طور هست، دلیلش این است و یک رای هم این است و من فکر می کنم، شما مختارید هر چه را که خودتان اختیار کردید، در این مسئله رای خاصی نیست اما چیست؟ آئین نامه می خواهد، اختیار بکنید ابلاغ بکنید، در این مسئله رای خاصی نیست، شما مخیرید بین این دو تا، من عرض کردم اصلا شکل گیری

.....

فقه اهل سنت و لذا یکی از مشکلات فقه ما همیشه این بود، مثلا روایاتی که ما در اراضی داریم این ها تقریبا جنبه های شاید مثلا فقه استنباطی بیشتر باشد اما اهل سنت جنبه فقه ولایی بود، هی سوال می کردند فقها جواب می دادند، آن وقت گاهی بود از فقهای یا از ائمه ما سوال می کردند، و لکن غالبا قبول نمی کردند، مخصوصا چون می گفتند این ها قائل به ولایت هستند و خودشان را خلیفه می دانند، خودشان را حاکم می دانند، دیگه حتی رای فقهی آن ها را هم حاضر نبودند قبول بکنند، دقت می کنید؟ پس بنابراین اعتقاد خود من این است که در این، چون بحث بعدی را هم خود ایشان اشاره می کند من این اعتقاد را به این جهت گفتم، این اعتقاد من این است که ما با این واقعیت که الان روبرو هستیم چون این مسئله سطح جهانی پیدا کرده و خواهی نخواهی بهترین طرح به ذهن من فعلا این است، به ذهن خود بنده سراپا تقصیر بهترین طرحی که الان به ذهن ما می آید این است که در این مسائل سعی بشود همین ترتیبی را که ما گفتیم یک آئین نامه عام بشود، یک خصائص فردی بشود، آن خصائص و رغبات فردی هم محدود بشود مثلا فرد می تواند در این قسمت کم و زیاد بکند، فرد می تواند در این قسمت، الان یک عده از این کنوانسیون های بین المللی این جوری است، نمی دانم خبر دارید یا نه؟ یک کنوانسیون که می گذارند یک ماده اصلا توش می گذارند که این کنوانسیون هر کشوری که قبول کرد حق ندارد هیچ ماده این را استثنا بکند، باز یک ماده دیگری بعضی هایشان دارد که نه، ولو این کشوری این کنوانسیون را امضا کرد طبق نظام داخلی و طبق حکومت خودش اگر بعضی از مواد این کنوانسیون با آن نظام نمی سازد می تواند آن ها را اعلام بکند عمل نکند،

پرسش: با این نص قانونی این سازگار است که کل شیء لک مطلق حتی یرد فیه نهی، این را شارع به ما گفته، چرا نباید مردم را آزاد بگذاریم؟ کل شیء لکم مطلق، هر قانونی و هر کاری را که

آیت الله مددی: لکم را شما خودتان در آوردید. کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی

پرسش: کل شیء مطلق حتی یرد فیه نهی را حضرت فرموده

آیت الله مددی: کی فرموده؟ کجا فرموده؟ این الان مرسله صدوق است هیچ جا هم نیامده

پرسش: این روح قانونی که شریعت گفته همین است

آیت الله مددی: وقتی دستتان از نص کوتاه شد به روح قانون رفتید! بعضی ها مذاق می گویند، مذاق شارع این است، من نمی توانم شما را بگیرم، مذاق مثل ماهی است، تا بگیرید در می رود. حساب کتابی ندارد، شما وقتی به لفظ نرسیدید به روح قانون رفتید، مذاق را که نمی شود با شما بحث کرد یعنی از همان اول چون من همیشه فکرم روشن است، از اول می دانیم تا مذاق گفتید یعنی بحث نکنیم، من نظر شارع را این جور می فهمم، اصلا یکی از مشکلات ما هم این است، چون در آداب مناظره این نکته هست که کاملاً اطلاع داشته باشیم، لفظ که آمد این مشکل پیدا کرد روی روح رفتید. روی مذاق رفتید آن را هم نمی توانیم کاری بکنیم.

پرسش: می فرمایید الان یکی از ارکان عقد ما این است که غرری نباشد

آیت الله مددی: اصلاً در غرب غرر، اصلاً دیروز خواندیم، اسم عقود را غرر گذاشتند.

پرسش: جمع نمی شود

آیت الله مددی: می دانم قابل جمع نیست، البته ایشان در عقود غرر جلد ده یک تعبیری دارد، من چون همین هفته گذشته نگاه کردم امروز یادم رفت، یک تعبیری دارد که عقود غرر از نظر قانونی قابل قبول نیست، حالا به ذهنم این طور آمد، در همین الوسیط نوشته، این الان جلد یکش است، به نظرم جلد ده که نگاه می کردم خودم تعجب کردم، یا من بد فهمیدم، به نظرم این طور آمد که عقود غرری طبیعتاً قبول نمی شود، به نظرم این طور می آید، می گویم الان نسبت نمی دهم و تعجب هم کردم چون به ذهن من بود که غربی ها غرر را قبول دارند، مشکل دارد لکن ایشان تعبیرش این بود که عقود غرر طبیعتاً و قانوناً قبول نمی شود، به هر حال این بعدش هم این ها بر فرض قبول بکنند، این قدر مشکلات درست می کند مشکلات دادگستری دارد، بودجه دارد چون الان می دانید در دنیای جدید هر مشکلی که می آید دنبالش می روند تا جایی حساب می شود یعنی به این ها بگوییم غرر که آمد اختلاف می آورد، اختلاف که آمد به دادگاه باید برود، دادگاه بودجه می گذارد، آن دادگستری بودجه دارد، این بودجه باید از مردم برداشته بشود، این ها حساب دارند، من در بعضی از این مجلات که هست، چون انگلیسی و این ها را بلد نیستیم مثلاً فلان جنس را بنا بوده که مثلاً

.....

گران بکنند، مثلا نیم درصد، این جوری آن جا حساب می کنند، این نیم درصد که گران شد در درجه اول مثلا شیر را نیم درصد اجازه می دهند که بالا بروند، این را مثلا در درجه اول مثلا این قشر جامعه مصرف می کند، این برایش این پنج درصد چه تاثیری دارد؟ بعد دایره دوم، مثلا اگر این گران بشود دایره دوم مثلا ماشین های وانتی که این شیر را می برند، در دایره سوم، این ها تمام محاسبات این جوری است، این جور کشکی نیست که صبح بخواهند شیر را سی درصد گران بکنند، من دیدم روی نیم درصد چند دایره را حساب می کند که این روی دایره اول این است، دایره دوم این است، دایره سوم، به قول شما دهک ها، روی تمام انی ها حساب می کند، این را دقت بکنید، آن وقت این ها می آیند محاسبه می کنند، بحث این نیست که دادگاه برود، این دادگاه بودجه می خواهد، دادگستری بودجه می خواهد، این بودجه را از کجا تامین بکنند؟ چون آن کشور ها می آیند حساب می کنند، یا فرض کنید نفت دارد یا مالیات دارد یا اقتراض و قرض دارد، یک چیزی باید بودجه را تامین بکنند، آن وقت می آیند این ها را محاسبه می کنند یعنی ما ها تا وقتی می بینیم فقط کلمه غرر می گوئیم، نهی النبی عن الغرر آن هم قبول نمی کند، به همین ختم می شود، این ها پیگیری می کنند این غرر یعنی چی، آثاری که دارد چیست؟ آن ذهنیتی را که من هدفم از خواندن این کتاب ها بود این بود که ما با ذهنیت خاصی در آن جا می توانیم روبرو بشویم، به هر حال پیغمبر اکرم که اول در مکه تشریف آوردند مردم مسلمان نبودند، دین را یک جوری طرح کردند که کافر قبول بکند، الان هم ما همان وظیفه را داریم، فراموش نکنید، الان ما مثل روزی که پیغمبر از غار حرا پایین آمدند فرمودند قولوا لا اله الا الله تفلحوا، طرف مقابل که کافر بودند، مسلمان نبودند، این چطور قبول کرد؟ الان ما این طوریم، وضع فعلی ما این طور است، مثل پیغمبری است که از غار حرا پایین آمده لذا خوب دقت بکنید ما وقتی یک مطلب را مطرح می کنیم این است یعنی نکته اساسیش این است که ببینیم چطور شد این مثلا پیغمبر این ها را مخاطب قرار داد و در این ها تحولی ایجاد کرد، این طبعاً یک حالت خاص خودش. حالا چون من یک توضیح اجمالی عرض کردم بعد ایشان عقد بسیط و عقد مختلط هم ذکر کرده دیگه مثال هایش هم روشن شد، عقد بسیط مثل بیع و عقد مختلط مثلا به قول ایشان ماء حمام، ایشان در این جا اولاً می گوید که عقد مختلط آن عقدی است که چند تا عقد است مثلا اجاره است و بیع است، بعد ایشان می گوید که

ألا أنه قد يكون من المفيد

خوب است که در بعضی از حالات آن یوخذ العقد المختلط کوحدة قائمة بذاتها، همینی که من الان گفتم، این خیلی خوب است، وقتی یک قانون دان می گوید من المفید این را دنبالش بگیریم، می گوید این فکر خوبی است، این عقد مختلط را ندید این هم بیع است هم اجاره است، آن قسمت بیعش آثار بیع و آن قسمت اجاره آثار، نه بیاییم بگوییم این عقد مجموعاً یک عقد این جوری است، فقط بحث من با این آقا این است که اگر شما وحدة قائمة بذاتها گرفتید برایش آئین نامه قرار بدهید، این آئین نامه اش هم این جوری است یک کلیات عقد دارد، یک مناطق رغبات شخصی دارد، مناطق رغبات شخصیش هم معین بشود، روشن شد؟ بعد هم لذا ایشان می گوید

و ذلك ففی هذه الحالات

ایشان باز در حقیقت طرح سومی، ایشان حالات نوشته،

يجب تقريب احد هذه العقود

مثلاً بیع را برایش غلبه بدهیم یا اجاره، نه لازم نیست بیع را غلبه بدهیم پس معلوم شد که در عقود مختلط که امروز مشکل شما عقود مختلط است، یک ما این را چند تا عقد حساب بکنیم و آثار چند تا عقد را بار بکنیم، دو بیاییم یکی از این عقود را غلبه بدهیم این را ملحق به آن عقد بکنیم. سه: اصلاً بیاییم یک عقد جدیدی قرارش بدهیم، حالا که جامعه حالت خاصی پیدا کرده این را همان طور که شما فرمودید اصلاً اسمش را از بیع و اجاره خارج بکنیم مثل بیمه، از هبه خارجش کردند، از اجاره خارج کردند، از بیع خارج کردند، اسمش را بیمه گذاشتند، این مطلبی را که ایشان گفته این که من المفید، به ذهن ما این خیلی خوب است اما نکته اساسیش این است، این چیزی که ما می خواهیم اضافه بکنیم، نکته اساسیش این جا، این قسمت است که باید در نظر گرفت مسئله این نکته را که آن اگر اسم جدیدی هم بهش دادیم این اسم جدید فقط به اسم نباشد، الان ملاحظه می کنید دیگه، الان در خود ایران، مدتی الان چند سالی است که بیاییم قوانین بیمه را اصلاح بکنیم، خب اگر ما به جای قوانین بیمه، گفت من جرب المجرب حلت به الندامة، خب از اول اگر درست فکر می کردند این قدر مشکل برخورد نمی کردند یعنی از اول، هی منطقه باز گذاشتند منطقه باز به غرر و اختلاف و

تنافرات منتهی شد، هی یواش یواش، خب این را از اول بیایند تنظیم نهایی بکنند طبق همین قواعدی را که من عرض کردم، یک آئین نامه مطلق بگذارند برای قسمت هایی، یک قسمت هایی را هم شخصی بگذارند که هر شخص خواست ، یکیش می شود عقود و یکیش می شود شروط.

پرسش: آن شخصش هم در دائره قانون است که آن هم اگر باز بشود خب دیگه خود قانون را دور می زند، عقدی هم که قرار ندادیم که قانون را دور بزند، نمی شود که قانون را دور بزند، یک تصویری بود مثلا خیال می کردند این فقط در فقه ما در قوانین نیست، مثلا بعضی ها فکر می کردند که شما می توانید با نذر همه کار بکنید، نذر کردم این کار را بکند، این را اهل سنت هم دارند، حالا من چند دفعه گفتم، این در جلد هفت الغدير به یک مناسبتی یک قصه ای است که یک زنی نذر کرده بود پیش پیغمبر دف بزند، گفت یا رسول الله نذر کردم، بعد در متون مختلفی دارند خود اهل سنت در این قصه، یکی از متن هایش این است إن كنت نذرت فلا باس، اگر نذر کردی اشکال ندارد اما نذر نکردی نه، خب این مطلب که نذر بتواند حرام را بردارد این مثل همین است که عقد می تواند حرام را بردارد، عقد می تواند دور بزند، غرضم تصور نکنید این تصرف خاص به قرارداد و پدیده های اجتماعی است، این تصور متاسفانه در ذهن عوام هست و لذا هم لا نذر فی معصية الخالق، لا نذر فی قطیعة رحم، لا یمین فی قطیعة رحم، این تصور، من قسم خوردم به این بد و بیراه بگویم، خب قسم خورده باشی، حرام است، جائز نیست، قسم مشرع که نیست، حرام را که حلال نمی کند پس بنابراین.

پاسخ پرسش: خودش می گوید اگر نذر کردی بزن، نذر نکردی نه یعنی حرام است دیگه

پرسش: یعنی حرام نیست، من خوشم نمی آید.

آیت الله مددی: یعنی حرام است دیگه،

پرسش: می گوید حرام نیست ولی من خوشم نمی آید. اگر نذر کردی

.....
آیت الله مددی: مثل آن روایت دارد که پیغمبر روز عید بر عائشه داخل شد و عندها جاریتان تغیان و لیستا فی المغنیتین، این را که دارد، اگر جائز باشد احتیاج به نذر ندارد، دارد که بعد پدرش ابوبکر وارد شد گفت امزمار الشیطان فی بیت رسول الله؟ وقتی که دید این دو تا جاریه مشغول هستند.

این که ظاهرش نیست.

آن وقت این راجع به این، پس بنابراین من فکر می کنم هم عقد مختلط و هم عقد مرکب و هم عقد مسمی و غیر مسمی، این ها را مخصوصا من فکر می کنم الان نظم دادن خیلی راحت است، تمام برنامه ها به کامپیوتر داده می شود عقد و قرارداد شما هم اصلا خودبخود شکل پیدا می کند، به شما می گویند این را می خواهی این قرارش این است، این ترتیبش این است، الان شما می دانید دیدید که در ورقه نوشته خریدار، جنس و فلان، مبلغ، واحد، این یعنی خودبخود شما شرائط بیع را مراعات کردید، خریدار، فروشنده، علم به مقدار، تمام این ها را مراعات کردید و این الان سطح جهانی می شود، من حرفم این است که بقیه قرارداد ها هم همین طور است، خلاصه اش این است، این اگر بشود اختلاف بر می دارد، چون یکی از نکات مسائل اجتماعی خود آن هیئت اجتماعی است، برای هیئت اجتماعی کاملا نافع است چون قرارداد ها جزء مهم زندگی اجتماعی ما هستند، اگر قرارداد ها نباشد ما تنها می مانیم، آن وقت روان شدن این قرارداد ها، روشن شدن این قرارداد ها، ابهام زدایی از این قرارداد ها چون این ها هر چه کار روشن تر و راحت تر بشود فراوان تر می شود و هر چه فراوان تر بشود به نفع جامعه است، لذا من فکر می کنم بهترین راه این نکته ای باشد که به ذهن این حقیر می آید که با آن ها مطرح بکنیم، بعد دیگه می خواستیم امروز تمامش بکنیم، بعضی از تقسیماتش را نمی خوانیم اما یکی دو تقسیمش هنوز ارزش دارد مخصوصا این تقسیم بعدیش عقد ملزم برای دو تا جانب یا یک جانب، جانبین یا جانب واحد، الزام آور، این چون نکات لطیفی دارد فردا عرض می کنم